

رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱

سید محمد کاظم سجادیپور*

مانده کریمی قهرودی**

چکیده

آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان در سال ۱۳۷۷، به عنوان تحولی کلیدی در شرق ایران، این منطقه را با ملاحظات جدید استراتژیک مواجه ساخت. این تحول در کنار تداوم تنش در روابط دو کشور هند و پاکستان و تغییر مناسبات آمریکا با هند و پاکستان در سایه آزمایش‌های نظامی هسته‌ای در همسایگی ایران، بررسی پیامدهای برنامه هسته‌ای هند و پاکستان را برای ایران ضروری می‌کند. این پژوهش به این سؤال پاسخ خواهد داد که پیامدهای آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ در پاسخ، پژوهش نشان خواهد داد آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، اولاً محیط امنیتی شرق ایران را بین‌المللی‌تر کرده است، ثانیاً این منطقه ناامن‌تر شده و ثالثاً فشارهای بین‌المللی بر ایران در زمینه برنامه‌های هسته‌ای را افزایش داده است.

کلیدواژه‌ها: هسته‌ای شدن، هند، پاکستان، سیاست هسته‌ای، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

* دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل

** دانشجوی دکتری رشته مسائل ایران دانشگاه تهران

مقدمه

آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)، منطقه شرقی ایران را وارد عصر جدیدی از محاسبات و ملاحظات استراتژیک نمود. آزمایش‌های هسته‌ای این دو کشور، نقطه عطفی در تحولات امنیت منطقه‌ای و همچنین، یکی از چالش‌های عمده برای امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد. ایران، همسایه شبه‌قاره بوده و نمی‌تواند از تحولات امنیتی این منطقه از جمله پیامدهای نظامی شدن برنامه‌های هسته‌ای هند و پاکستان تأثیر نپذیرد. با توجه به گذشت بیش از یک دهه از نقطه عطف مزبور و عمق‌یافتن تنش‌ها بین هند و پاکستان و تغییر تدریجی مناسبات استراتژیک آمریکا با این دو کشور، از یک سو و فقدان نوشتار جدی و درخور توجه در خصوص پیامدهای آزمایش‌های هسته‌ای در شبه‌قاره بر ایران، این مقاله ضمن ارزیابی شرایط امنیتی بین هند و پاکستان در سال‌های پس از آزمایش‌های نظامی هسته‌ای و تعمیق تنش‌های امنیتی و هسته‌ای این دو کشور، در پی پاسخ به این سؤال است که پیامدهای آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ برای پاسخ به پرسش مزبور، باید حداقل سه سؤال را طرح و برای آنها جواب مناسب پیدا کرد: اول آنکه، برنامه هسته‌ای هند و پاکستان از چه زمینه و ماهیتی برخوردار بوده و چرا و چگونه تحول پیدا کرده‌اند. دوم، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان از منظر نظریه‌های مربوط به توسعه سلاح‌های هسته‌ای چگونه قابل ارزیابی است و چه پیامدهای عملی در برداشته‌اند و سوم آنکه، به طور مشخص و معین، پیامدهای آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و لایه‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی آن، چگونه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را متأثر کرده است. سه بهره این نوشتار به ترتیب به پاسخ پرسش‌های سه‌گانه فوق می‌پردازند. در روند پاسخ‌گویی به پرسش‌ها روشن خواهد شد که آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، محیط امنیتی شرق ایران را متشنج ساخته و منطقه شرق ایران را بین‌المللی‌تر کرده است. به بیان بهتر، محیط امنیتی ایران ناامن‌تر و بین‌المللی‌تر گشته است. برای تأیید این فرضیه لازم است به سه سؤال مطرح‌شده پاسخ داده شود.

الف. ماهیت برنامه هسته‌ای هند و پاکستان

بررسی ماهیت برنامه هسته‌ای هند و پاکستان با نگاهی گذرا به تاریخ تحولات هسته‌ای این دو کشور امکان‌پذیر است. برای اولین بار، ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۴۵ و پس از آن شوروی در سال ۱۹۴۹ به سلاح هسته‌ای دست یافتند. با فاصله زمانی کوتاه، انگلیس، فرانسه و چین نیز به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۲، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ صاحب بمب اتم گشتند. با تشکیل باشگاه هسته‌ای و به رسمیت شناختن این پنج کشور به عنوان قدرت‌های هسته‌ای، تلاش شد کشورهای دیگر به سراغ کسب بمب اتم نروند، اما دهلی نو در مه ۱۹۹۸ ادعا کرد پنج آزمایش هسته‌ای زیرزمینی انجام داده است. اسلام‌آباد نیز در ۲۸ مه همین سال پنج آزمایش هسته‌ای در ایالت بلوچستان در تپه‌های چگسای^۱ انجام داد (Ganguly and Hagerty, 2005: 124-125). پاکستان در ۳۰ مه یک آزمایش دیگر در همین منطقه انجام داد (Kerr and Nikitin, 2008: 2). پاکستان ادعا کرد پنج آزمایش را در پاسخ به پنج آزمایش اخیر هند و یکی را در پاسخ به آزمایش صلح‌آمیز هسته‌ای هند در سال ۱۹۷۴ انجام داده است (Sagan and Waltz, 2003: 88). در ادامه، سیر برنامه هسته‌ای هند و پاکستان را مد نظر قرار می‌دهیم.

۱. سیر تحول برنامه هسته‌ای هند

برنامه هسته‌ای هند در مرکز تحقیقات اتمی بابا^۲ در ترومبای^۳ آغاز شد. این مرکز بر اساس طرح آمریکایی اتم برای صلح^۴ شکل گرفت. نخستین راکتور هند، راکتور تحقیقاتی آسپارا^۵ بود که با کمک انگلیس در سال ۱۹۵۵ ساخته شد. سال بعد نیز هند یک راکتور مدرن آب سنگین را از کانادا وارد کرد که آمریکا تهیه آب سنگین آن را بر عهده گرفت. همچنین، آمریکا در ساخت و سوخت‌گیری راکتورهای تاراپور^۶ به هند کمک کرد (Chanysh (A), 2009: 1). تا اواسط دهه ۶۰، هند تنها طرفدار انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بود، اما سه عامل هسته‌ای شدن چین،

1. Chagai Hills
2. Bhabha Atomic Research Center
3. Trombay
4. US Atoms for Peace Program
5. Research Reactor Aspara
6. Tarapur

اختلافات هند و پاکستان و کسب پرستیژ و جایگاه جهانی، هند را برای کسب سلاح اتمی ترغیب کرد. شکست هند از چین در جنگ میان دو کشور در سال ۱۹۶۲ و اتمی شدن چین در سال ۱۹۶۴، مهم ترین عاملی است که هند را به سوی هسته‌ای شدن سوق داد. رد تقاضای هند از سوی آمریکا و شوروی برای تضمین امنیتی در مقابل چین نیز موجب شد هند در مقابل سه قدرت هسته‌ای چین، آمریکا و شوروی احساس محدودیت کند (Shinichi and Marie, 2003: 61). اختلافات هند و پاکستان از زمان استقلال هند و جدایی پاکستان از هند در سال ۱۹۴۷، به ویژه در مورد ایالت جامو و کشمیر و جنگ در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ و همچنین، بحران سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۳ و بحران براستکس در سال ۱۹۸۷، عامل دومی است که انگیزه هند را به منظور هسته‌ای شدن افزایش داد (Shinichi and Marie, 2003: 62). ضمن اینکه هند از کمک‌های چین به پاکستان در انتقال فناوری، مواد و تسلیحات هسته‌ای نیز احساس نگرانی می‌کرد (Shinichi and Marie, 2003: 63). سومین عامل تلاش برای تثبیت جایگاه خود به عنوان قدرت منطقه‌ای، افزایش پرستیژ بین‌المللی و استقلال در تصمیم‌گیری در صحنه جهانی می‌باشد. کسب تسلیحات هسته‌ای توسط هند، یکی از ملزومات برای عضویت دائم در شورای امنیت به شمار می‌رود. با روی کار آمدن ملی‌گراها در هند در دهه ۱۹۸۰، این رویکرد دنبال شد (Chanysh, 2009: 2). در حالی که در مورد پاکستان، توازن در برابر هند و باژدارندگی هسته‌ای در مقابل این کشور، عامل دستیابی به سلاح هسته‌ای بوده است (Kerr and Nikitin, 2008: 1). هند در سال ۱۹۷۴، اولین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد که آن را آزمایش هسته‌ای صلح‌آمیز نامید. بعد از آن، آمریکا محدودیت‌هایی در زمینه مواد و فناوری هسته‌ای به هند تحمیل کرد و کانادا کمک به برنامه هسته‌ای هند را رها نمود. با روی کار آمدن ایندیرا گاندی در سال ۱۹۸۰، برنامه‌های هسته‌ای هند شتاب بیشتری گرفت. هند ابتدا به توسعه برنامه‌های موشکی خود پرداخت و تا سال ۱۹۹۶، کلاهک هسته‌ای ساخت که قابلیت قرار گرفتن بر موشک پریتوی-۱^۱ را داشت (Chanysh (A), 2009: 2).

۲. سیر تحول برنامه هسته‌ای پاکستان

تلاش پاکستان برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیز با مشارکت در طرح آمریکایی اتم برای صلح آغاز گردید. پاکستان در سال ۱۹۵۵، کمیته انرژی اتمی با عضویت ۱۲ نفر تشکیل داد که به حکومت برای کسب صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و انعقاد توافق همکاری هسته‌ای با آمریکا توصیه نمود (Chanysh (B), 2009: 1)، اما اختلاف‌ها میان هند و پاکستان، جنگ ۱۹۶۵ میان هند و پاکستان بر سر کشمیر و شکست پاکستان و آزمایش صلح‌آمیز هند در سال ۱۹۷۴، پاکستان را برای کسب بمب اتم آماده ساخت (Chanysh (B), 2009: 1). در سال ۱۹۷۲، نخست‌وزیر وقت پاکستان، ذوالفقار علی بوتو، دانشمندان ارشد هسته‌ای پاکستان را در شهر مولتان^۱ گرد هم آورد و دستور ساخت بمب اتمی را به آنان داد (دلاور پور اقدم، ۱۳۸۷). با بازگشت عبدالقدیرخان^۲ از هلند به پاکستان و در واکنش به سیاست‌های توسعه‌ای هند، برنامه هسته‌ای پاکستان گسترش یافت. عبدالقدیرخان به عنوان پدر هسته‌ای پاکستان، در اوایل دهه ۱۹۷۰ برای یک پیمانکار کنسرسیوم غنی‌سازی اروپایی به نام یورنکو^۳ در هلند کار می‌کرد و با درخواست علی بوتو در سال ۱۹۷۶ به پاکستان بازگشت (Cronin etal, 2005: 12). وی طرح‌های ساخت سانتریفوژ را سرقت و اطلاعات و دانش ساخت بمب اتم را از غرب به پاکستان منتقل کرد (Chanysh (B), 2009: 1). عبدالقدیرخان در سال ۱۹۸۷ در مصاحبه با روزنامه‌نگار هندی پذیرفت که پاکستان توانایی تولید تسلیحات هسته‌ای را دارد (Chanysh (B), 2009: 2). بنابراین، بعد از آزمایش هسته‌ای هند در مه ۱۹۹۸، پاکستان نیز در ماه مه همین سال اقدام به آزمایش هسته‌ای نمود و دو کشور هند و پاکستان به جمع دارندگان بمب اتم پیوستند.

پس از سال ۱۹۹۸، هند و پاکستان به توسعه برنامه‌های هسته‌ای خود تداوم بخشیدند. نشریه تهدیدهای اشاعه وزارت دفاع هند در سال ۲۰۰۱^۴ نشان داد برنامه‌های استراتژیک هند و پاکستان، با توجه به تلاش‌های یکدیگر تداوم دارد و دو کشور در دوره‌ای از تشدید توسعه موشکی و تسلیحات هسته‌ای هستند؛ به طوری که می‌توان آن را «رقابت کند هسته‌ای» نامید

1. Multan
2. Abdul Qadeer Khan
3. URENCO
4. 2001 Defense Department Review of Proliferation Threats

(Feickert and Kronstadt, 2003: 7). دکتربین هسته‌ای هند نیز که در اوت ۱۹۹۹ تصویب شد، ضمن بیان بازدارندگی مطمئن حداقلی، به کارگیری جنگ متعارف محدود را حفظ کرده است، زیرا بازدارندگی حداقلی مفهوم پویایی است که وابسته به محیط امنیتی می‌باشد و از این رو، امکان توسعه برنامه هسته‌ای باقی است (Shinichi and Marie, 2003: 68). آزمایش موشک‌های بالستیک در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۳، حاکی از این پویایی است (Shinichi and Marie, 2003: 7). این پیشرفت‌ها تا جایی ادامه داشت که هند در ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹، نخستین زیردریایی با قدرت اتمی را به آب انداخت (Chanysh (A), 2009: 5). پاکستان سیاست استفاده نخست را برای خود برگزیده است (Sokolski, 2009: 27-28). این کشور برای حفظ این سیاست در برابر دیگر کشورها به خصوص هند، لازم است برنامه هسته‌ای خود را در روند توسعه قرار دهد. فیکرت^۱ و کرونستد^۲، کارشناسان مرکز تحقیقات کنگره آمریکا معتقدند هند ۳۰ تا ۳۵ سلاح هسته‌ای و پاکستان بین ۲۴ تا ۴۸ سلاح هسته‌ای دارد (Feickert and Kronstadt, 2003: 11-12).

با ایجاد باشگاه هسته‌ای و ان پی تی، تصور می‌شد کشور دیگری به بمب اتم دست نخواهد یافت، اما تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان تحول مهمی در منطقه و نظام بین‌الملل ایجاد کرد که نظریه‌پردازی با توجه به ابعاد جدید مسئله هسته‌ای را ضروری ساخت. سیر نظامی شدن برنامه‌های هسته‌ای هند و پاکستان روشن کرد که گرچه آنها در مقابل یکدیگر تعریف شده‌اند، ولی به دلیل جایگاه این برنامه‌ها در چارچوب مناسبات استراتژیک بین‌المللی و حساسیت ویژه منطقه شبه‌قاره، پیامدهایشان فراتر از روابط دوجانبه این دو کشور بوده است.

ب. تحلیل پیامدهای آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان

آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان چگونه قابل تحلیل است؟ در پاسخ به این سؤال ابتدا این آزمایش‌ها در کفه نظریه‌های مرتبط با توسعه سلاح هسته‌ای سنجیده خواهد شد و سپس، پیامدهای عملی آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

1. Feickert
2. Kronstadt

۱. پیامدهای نظری بر خورداری از تسلیحات هسته‌ای

با در نظر گرفتن اینکه، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، اولین آزمایش‌های هسته‌ای خارج از باشگاه پنج عضو هسته‌ای بود، نظریه‌پردازان مسائل استراتژیک بین‌المللی را به واکنش واداشت. باید در نظر داشت حدود نیم قرن تعادل هسته‌ای میان آمریکا و شوروی در دوران قبل و بعد از جنگ سرد، به پیدایش و پرورش ادبیات، گفتمان‌ها و دیدگاه‌هایی در خصوص سلاح‌های هسته‌ای انجامیده بود و در این میان، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، بی‌تردید شوکی مفهومی در حلقه نظریه‌پردازی استراتژیک ایجاد کرد که به نوبه خود قابل توجه بوده و در فهم پیامدهای هسته‌ای هند و پاکستان در سطح کلان و چشم‌انداز استراتژیک، مهم می‌باشد. به این منظور، نظریه کنت والتز^۱ دال بر بازدارندگی تسلیحات هسته‌ای با تبیین مسئله هسته‌ای هند و پاکستان در مقابل نظریه اسکات سیگن^۲ مبنی بر خطرآفرینی تسلیحات هسته‌ای مطرح گردید. نخستین بار، دستیابی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به تسلیحات هسته‌ای بود که نظریه‌پردازان را واداشت تأثیر تسلیحات هسته‌ای را به عنوان یکی از خطرناک‌ترین ساخته‌های بشر بر سیاست‌گذاری دولت‌ها و تحولات نظام بین‌الملل بررسی نمایند. این نظریات، به طور کلی در چارچوب نظریات خوش‌بینانه و بدبینانه قرار گرفتند.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ و زمانی که هنوز روابط استراتژیک شرق-غرب غلبه داشت، کنت والتز در رساله خود در سال ۱۹۸۱، برای اولین بار نظریه بازدارندگی را در قالب نظریات خوش‌بینانه با جزئیات و به طور مستدل ارائه داد (Sridharan, 2007: 240) و والتز به عنوان نظریه‌پرداز نواقح‌گرا بر دلایل ساختاری داراشدن سلاح هسته‌ای تأکید کرد. بر اساس این نظریه، کشورها بازیگران عقلانی هستند که در نظام بین‌الملل برای تأمین امنیت خود و بازداشتن دشمنان بالقوه باید به دنبال سلاح هسته‌ای باشند. والتز در تحلیل خود طرفدار اشاعه است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۹۴۹-۹۴۸). اشاعه تسلیحات هسته‌ای موجب تقویت بازدارندگی و صلح و ثبات می‌شود. در مقابل، نظریه «خطرآفرینی گسترش سلاح‌های هسته‌ای»^۳، در چارچوب نظریات بدبینانه معتقد است وجود سلاح‌های هسته‌ای در دست کشورها، باعث بی‌ثباتی جهان می‌شود. اسکات

1. Kenneth Waltz
2. Scott Sagan
3. Dangerous of Nuclear Weapons Proliferation

سیگن واضع این نظریه است. به عقیده سیگن که اشاعه بیشتر سلاح‌های هسته‌ای نه تنها ثبات به ارمغان نمی‌آورد، بلکه ثبات جهانی موجود را نیز به مخاطره خواهد انداخت (عسگرخانی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). اهم نظریه سیگن را می‌توان چنین ذکر کرد: «سازمان‌های حرفه‌ای نظامی، به علت تعصبات رایج، روش‌های بدون انعطاف و منافع کوتاه‌بینانه، رفتار سازمان خاصی که احتمالاً موجب بی‌اثر شدن بازدارندگی، جنگ عمدی یا تصادفی می‌گردد، از خود نشان خواهند داد. کشورهایی که در آینده به سلاح هسته‌ای مجهز خواهند شد، احتمالاً به وسیله نظامیان اداره خواهند شد یا دولت‌های غیرنظامی ضعیفی خواهند داشت و فاقد سازوکارهای کنترل غیرنظامی مثبت و محدودکننده خواهند بود» (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۹۵۰). بنابراین، خطر تسلیحات هسته‌ای افزایش می‌یابد. پل کاپور^۱ نیز معتقد است ترکیبی از نارضایتی از وضعیت مرزهای سرزمینی، ضعف قدرت متعارف نظامی و تسلیحات هسته‌ای، بی‌ثباتی ایجاد می‌کند (Ganguly and Kapur, 2010: 31-32). این نظریه بعد از هسته‌ای شدن هند و پاکستان مطرح شده است. نظریه دیگری که بعد از آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان تقویت شد، «پارادوکس ثبات- بی‌ثباتی^۲» گلن اسنیدر^۳ است که بر اساس آن، بازدارندگی متقابل تسلیحات هسته‌ای در سطح استراتژیک، امکان توسل به زور و بی‌ثباتی را در سطوح پایین‌تر موجب می‌شود. بنابراین، امکان وقوع جنگ‌های متعارف محدود و جنگ‌های نیابتی وجود دارد (Ganguly and Kapur, 2010: 135).

هیچ کدام از نظریات مذکور به تنهایی گویای تمام ابعاد برنامه هسته‌ای نظامی هند و پاکستان نیستند. زیرا هم نظریات بازدارندگی و هم پارادوکس ثبات- بی‌ثباتی، با این نقص روبروست که ثبات در سطح استراتژیک را قطعی می‌دانند، در حالی که چنین نیست و امکان استفاده از تسلیحات هسته‌ای، به صورت عمدی یا تصادفی وجود دارد. چهار حالت برای استفاده از سلاح هسته‌ای وجود دارد: ۱. استفاده غیرعمدی یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در نتیجه فشار در طول بحران و جنگ؛ ۲. استفاده غیرمجاز و ناروا یا استفاده تسلیحات هسته‌ای به وسیله فرماندهان نظامی بدون مشروعیت از رهبران سیاسی؛ ۳. حوادث هسته‌ای؛ ۴. گم شدن یا دزدیدن سلاح هسته‌ای و استفاده آن توسط تروریست‌ها (Sridharan, 2007: 268).

1. Paul Kapur
2. Stability-Instability Paradox
3. Glen Snyder

بر اساس نظریه سیگن، در پاکستان به دلیل حضور قدرتمند نظامیان امکان به کارگیری تسلیحات هسته‌ای به مراتب بیش تر است. ضمن اینکه نظریات بازدارندگی، نقش بازیگران غیرحکومتی را نادیده گرفته‌اند و تنها دولت‌ها را دارندگان بمب اتم می‌دانند. نظریه اسکات سیگن نیز از این جنبه که سلاح هسته‌ای را عامل خطرآفرین دانسته، مورد تأیید است. محدود دانستن خطر این سلاح به دولت‌های نظامی مورد اشکال است، زیرا بر اساس این نظریه، سلاح هسته‌ای پاکستان به دلیل حکومت‌های نظامی و نفوذ نظامیان در دوره حکومت‌های غیرنظامی می‌تواند خطرناک باشد، اما در مورد هند تردید وجود دارد. نظریه کاپور نیز در صورت عدم نارضایتی سرزمینی و برخورداری از قدرت متعارف نظامی ابطال می‌شود، در حالی که سلاح هسته‌ای به خودی خود تنش‌زا بوده و دستیابی هر کشور به این سلاح، پیامدهای خطرناک آن را افزایش می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده خواهد شد، به رغم رویکرد غالب مبنی بر صحت نظریه بازدارندگی گسترش تسلیحات هسته‌ای والتز، این نظریه نمی‌تواند توضیح‌دهنده پیامد تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان باشد. نگاهی به نتایج حاصل از کسب بمب اتم توسط هند و پاکستان، روشنگر این گفته خواهد بود.

۲. پیامدهای عملی تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان

اثرات برخورداری دولت‌های هند و پاکستان از بمب اتم، گسترده بوده و سطوح مختلفی از روابط دوجانبه هند و پاکستان تا منطقه و نظام بین‌الملل را متأثر ساخته است. تبعات هسته‌ای شدن هند و پاکستان را نمی‌توان تنها ناشی از وجود دولت نظامی دانست. چه بسا در هند، حضور نظامیان در حکومت کم‌رنگ است. همچنین، اختلافات سرزمینی هند و پاکستان و برتری هند در تسلیحات متعارف امکان تقابل و خطرات هسته‌ای شدن دو کشور را افزایش می‌دهد، اما عامل خطرآفرینی، تسلیحات هسته‌ای نیست، بلکه سلاح هسته‌ای در ذات خود تنش‌زا و مشکل‌آفرین است. تأثیر تسلیحات هسته‌ای را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد:

۱. پیشبرد اهداف در مسئله کشمیر با راه حل نظامی، ۲. به چالش کشیده شدن روابط دوجانبه هند-افغانستان و پاکستان-افغانستان، ۳. رقابت فزاینده هند و پاکستان در افغانستان و
- در نتیجه، بحرانی کردن وضعیت این کشور و ۴. استمرار جنگ‌های نیابتی در منطقه با حمایت

از گروه‌های غیرحکومتی همسو با دولت‌های هند و پاکستان. این موارد در سیاست اعلامی و دکتربین هسته‌ای هند و پاکستان نیز نمود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

اول. هند و پاکستان هسته‌ای، بازدارندگی مطمئن حداقلی را به عنوان سیاست رسمی خود اتخاذ کرده‌اند. بر اساس این سیاست، بازدارندگی با توان ضربه‌زدن به دشمن در صورت حمله حاصل می‌شود (Sridharan, 2007: 213). هند ادعا کرده است که در مقابل دولت‌های غیرهسته‌ای یا دولت‌هایی که با قدرت‌هایی هسته‌ای همکاری نکرده‌اند، از تسلیحات هسته‌ای خود استفاده نخواهد کرد و آنها را تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای خود نیز نخواهد نمود. با این وجود، بازدارندگی حداقلی در دکتربین هند روشن نیست و این دکتربین با بازدارندگی سنتی مطابقت بیشتری دارد (Rajain, 2008: 228-230) و در هیچ یک از بیانیه‌هایی هم که تا کنون توسط این کشور صادر شده، این اصطلاح توضیح داده نشده است (Sridharan, 2007: 129). تنها در جریان سؤال راجیا سبها (مجلس اعلا)^۱ از وزیر امور خارجه هند، وی بیان کرد که بازدارندگی حداقلی هند در شرایط ثابت تعریف نمی‌شود، بلکه سیاستی است که در شرایط محیط امنیتی ما تعیین می‌شود. حکومت، همچنین اعلام کرده است که مسائل مرتبط با وضعیت دفاعی کارکرد حاکمیتی دارند و تابع مذاکره نیستند (Rajain, 2008: 230). بنابراین، «بازدارندگی مطمئن حداقلی مفهوم پویایی است که وابسته به محیط استراتژیک، الزامات تکنولوژیک و نیازهای امنیت ملی می‌باشد» (Rajain, 2008: 230). ضمن اینکه، هند امکان جنگ محدود را پس از هسته‌ای شدن برای خود حفظ کرده است. پس از کسب تسلیحات اتمی، نیروهای ویژه هند^۲ اقدام به منازعاتی نمودند که در آنها درگیری کامل نظامی رخ نمی‌دهد و به لحاظ شدت و به کارگیری نیرو، در سطحی پایین‌تر از جنگ متعارف قرار دارد. هند این نوع جنگ‌ها را جنگ محدود تحت شرایط هسته‌ای نامیده که امکان تبدیل آن به جنگ متعارف کامل وجود دارد (Sridharan, 2007: 193). بنابراین، پاکستان به عنوان قدرت هسته‌ای در دکتربین هسته‌ای می‌تواند هدف حملات هند باشد و همچنین جنگ محدود با این کشور می‌تواند صورت بگیرد.

1. Rajya Sabha

۲. واحدهای نظامی هستند که برای عملیات‌های ویژه آموزش دیده‌اند و در ارتش، نیروی هوایی، دریایی و شبه‌نظامی حضور دارند.
<http://weapons.technology.youngster.com/2011/01/indian-special-force-finally-getting.html> (23 February 2011)

پاکستان دکترین هسته‌ای مدونی ندارد، اما ژنرال خالد کیدوای^۱ رئیس برنامه‌ریزی عملیات ستاد مشترک هسته‌ای پاکستان^۲، خط قرمزهای پاکستان را برای استفاده از تسلیحات هسته‌ای این موارد می‌داند: هند به پاکستان حمله کند و بخش بزرگی از سرزمین آن را تصرف کند؛ هند بخش بزرگی از سرزمین یا نیروی هوایی پاکستان را تخریب کند؛ پاکستان مورد محاصره قرار گیرد، به طوری که حمل و نقل مواد حیاتی امکان‌پذیر نباشد و بر توان جنگی کشور اثر بگذارد؛ هند، پاکستان را به سمت بی‌ثباتی سیاسی یا خرابکاری داخلی گسترده بکشانند (Liebl, 157: 2009). دو مورد هم به طور غیررسمی توسط نظامیان پاکستان بیان شده است: هند از خط کنترل عبور کند، به طوری که کنترل کشمیر پاکستان را تهدید کند یا هند به تأسیسات هسته‌ای پاکستان حمله نماید (Liebl, 2009: 157). همچنین، پاکستان سیاست استفاده نخست را برای خود پذیرفته است. استیون ای میلر^۳ می‌گوید: «سیاست استفاده نخست نتایجی در پی دارد: امکان حمله پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه را فراهم می‌کند، پادزهری برای جنگ متعارف است، تلافی در مقابل استفاده از سلاح شیمیایی یا بیولوژیک را میسر می‌سازد و امکان درگیری برای اعلام بحران یا چانه‌زنی در جنگ را فراهم می‌کند» (Sridharan, 2007: 155). بنابراین، عناصر سیاست هسته‌ای پاکستان شامل این موارد می‌باشد: هندمحوری، سیاست استفاده نخست، تلافی متقابل، هدف قراردادن معادل هسته‌ای (Liebl, 2009: 157).

حفظ امکان جنگ متعارف در هر شرایط و جنگ هسته‌ای در شرایط خاص، اقدامات تلافی‌جویانه و هدف قراردادن رقیب از سوی دو طرف (یعنی هند و پاکستان)، ویژگی‌های دکترین هسته‌ای هند و پاکستان می‌باشند. به عبارت دیگر، پس از کسب تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان، تلاش برای حفظ منافع هند و پاکستان با راه‌حل‌های نظامی رها نشده و سلاح هسته‌ای پیامدهای امنیتی آن را به شکل بارزی افزایش داده است. مشاهده می‌شود که باقی‌ماندن امکان جنگ متعارف و حمله هسته‌ای در صورت اقدام رقیب با سیاست بازدارندگی هند و پاکستان در تضاد است و بازدارندگی تنها در تئوری مطرح شده است. به عبارت دیگر، بازدارندگی از نظر مفهومی با چالش روبروست.

1. Lieutenant General Khalid Kidwai
2. Director Plan Division of the Pakistani Nuclear Command Structure
3. Steven E. Miller

در عمل نیز در دو بعد اصلاحی و اعمالی، هند و پاکستان یکدیگر را هدف قرار داده‌اند. دیپلماسی هجومی و متهم کردن یکدیگر به مداخله در امور دیگری، از سال ۱۹۹۸ به بعد همانند گذشته تداوم داشته و شدت گرفته است. بعد از حمله به بمبئی در سال ۲۰۰۸، مان موهان سینگ^۱، نخست‌وزیر هند اظهار کرد «مهارت و دقت نظامی عملیات نشان می‌دهد این حمله از حمایت برخی نهادهای دولتی برخوردار است» (Rabasa et al, 2009:15). وی اعلام کرد «مسئله نیروهای خارجی در این حادثه حضور داشته‌اند و این حوادث توسط گروهی برنامه‌ریزی شده بود که اساس آن در خارج از هند است. اگر ثابت شود این حملات به کشور همسایه مرتبط است، کشور همسایه باید هزینه‌های آن را بپردازد» (تاشپینار، ۱۳۸۹). دیپلماسی تهاجمی هند و پاکستان محدود به دوران‌های بحران نیست، بلکه در زمان آرامش نیز تداوم داشته است. هند، پاکستان را متهم به حمایت از گروه‌های تروریستی می‌کند و پاکستان، هند را محرک حرکت‌های جدایی‌طلبی مانند بلوچ‌ها می‌داند. علاوه بر این، آنها یکدیگر را تهدید به حملات تلافی‌جویانه و تنبیهی می‌کنند. دیپلماسی تهاجمی، تهدید به حملات پیش‌گیرانه، متهم کردن مقامات دو کشور به ایجاد ناآرامی و خشونت، از ابتدای دستیابی هند و پاکستان به تسلیحات هسته‌ای، از ویژگی‌های بیانات و ادعاهای مقامات دولتی دو کشور است.

در واقع، تحرکات نظامی، بیش از پیش روابط هند و پاکستان را مختل ساخته است. بعد از حمله به پارلمان هند در سال ۲۰۰۱، هند حدود ۱۰ ماه تا اکتبر ۲۰۰۲ نیروهای خود را به طور کامل بسیج کرد. ارتش هند در کشمیر زمین‌های زمینی کاشت، سنگر ساخت و تانک و توپخانه خود را مستقر کرد. واشنگتن پست گزارش داد نیروی ویژه دریایی حمل‌کننده تجهیزات هوایی، شش کشتی و دو زیردریایی هند، با فاصله از بندر کراچی قرار گرفته‌اند (Dossani and Rowen, 2005: 307). شرایطی نزدیک به جنگ در مه ۲۰۰۲ اتفاق افتاد. سایر کشورها با پیش‌بینی جنگ تمام عیار در اسلام‌آباد و دهلی نو، کارمندان سفارت‌های خود را فراخواندند (Sridharan, 2007: 254). به عبارت دیگر، بحران ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در نتیجه ادعای پشتیبانی و مشارکت پاکستان در حادثه پارلمان هند به وقوع پیوست. وجود سیاست‌های حمایتی دو کشور از گروه‌های غیرحکومتی و منازعات محدود، نه تنها مانع بهبود روابط دو کشور گشته، بلکه در

مقاطع زمانی مانند دوران بعد از حمله به پارلمان هند در سال ۲۰۰۱، موجب قطع روابط دوجانبه شده است. به این ترتیب، تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان کشورها را برای ایجاد بحران و منازعه، حتی در منطقه جسور ساخته است.

هند و پاکستان پیش از هسته‌ای شدن، در ایالت جامو و کشمیر، اهدافی برای خود تعریف کردند، زیرا با استقلال شبه‌قاره هند و جدایی پاکستان از هند در سال ۱۹۴۷، به رغم اکثریت مسلمانان در این ایالت، حکمران آن که یک مهاراجه هندو به نام گلاب سینگ^۱ بود، الحاق کشمیر به هند را اعلام کرد. این اقدام سرآغاز اختلاف هند و پاکستان بر سر این ایالت شد (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۰). تلاش دو کشور برای به دست گیری حاکمیت این ایالت منجر به جنگ در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۵ گردید. با این وجود، این ایالت مورد مناقشه باقی ماند، به طوری که با فاصله کوتاهی از آزمایش‌های هسته‌ای، بحران کارگیل به وقوع پیوست.

بحران کارگیل با هجوم نظامی پاکستان به روستای گارخون^۲ در منطقه کارگیل در کشمیر در سال ۱۹۹۹ آغاز شد (Ganguly and Hagerty, 2005: 143). پاکستان در این بحران از خط کنترل در ناحیه کارگیل جامو و کشمیر عبور کرد و تا عمق ۸ تا ۱۲ کیلومتری پیش رفت (Kapur, 2005: 138). اگرچه اعلام رسمی جنگ صورت نگرفت، اما این منازعه به لحاظ نفرت و تجهیزات قابل ملاحظه بود. هند بعد از جنگ ۱۹۷۱، برای اولین بار در این بحران، نیروی هوایی خود را علیه پاکستان به کار گرفت (Ganguly and Hagerty, 2005: 143). پاکستان همچنین، اقدام به استقرار موشک نمود. استقرار موشک به این معنی است که موشک‌ها آماده به کارگیری هستند (Feickert and Kronstadt, 2003: 13). در این جنگ، عنصر هسته‌ای وجود داشت و گزارش کمیته بازننگری کارگیل آشکار کرد که سخنگویان رسمی و غیررسمی پاکستان تلاش می‌کردند تهدیدات هسته‌ای تلویحی را به سران هند انتقال دهند (Sridharan, 2007: 191-192). هند و پاکستان در طی هفت هفته در طول جنگ کارگیل، ۱۳ بار یکدیگر را به جنگ هسته‌ای تهدید کردند (Dudley and Jenkins, 2003: 38).

1. Gulab Singh

2. Garkhun

بنابراین، وقوع منازعات محدود متعارف، جنگ‌های نیابتی و امکان به کارگیری سلاح هسته‌ای، بی‌اعتمادی میان هند و پاکستان را افزایش داده و این نگرش که هر خرابکاری و آشوب در حوزه منافع هند و پاکستان با حمایت دولت مقابل شکل گرفته، قوت گرفته است. دوم. یکی از پیامدهای تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان، امکان به کارگیری آنها توسط گروه‌های افراطی است. گروه‌های خطرناک افراطی در این کشورها و منطقه آسیای جنوبی مأمون دارند. نابودی نیروهای کفر و برقراری حکومت اسلامی منطبق بر اعتقادات طالبان و القاعده، هدف نهایی گروه‌های افراطی در جنوب آسیاست. بر اساس تعریف آنها، جز گروه‌های افراطی (طالبان، القاعده و وهابی‌ها)، سایرین در گروه کفار قرار گرفته و سزاوار بدترین مجازات‌ها هستند. این گروه هند را به عنوان بخشی از محور مسیحی-یهودی-هندو و دشمن اسلام می‌بیند (Rabasa et al, 2009:1). اعتقادات و دیدگاه‌های گروه‌های افراطی نظیر القاعده و طالبان، به گونه‌ای است که ابزارها و استراتژی‌های وحشت‌آفرین و نابودگر می‌تواند آنها را به اهدافشان برساند. به عبارت دیگر، نابودی دشمن به هر شکل ممکن، راه رسیدن به آرمان آنهاست. بنابراین، سلاح هسته‌ای مانعی بر سر راه اقدام آنها نیست، بلکه به دلیل انطباق ماهیت این سلاح با تفکرات آنها، اراده و انگیزه‌شان را برای ایجاد خشونت و ناامنی افزایش می‌دهد. در عین حال، چون این گروه‌ها در چارچوب مرزهای مشخصی عمل نمی‌کنند، نگران استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه خود نیستند. از این رو، اقدامات خود را تداوم بخشیده‌اند و حتی می‌توانند با ایجاد بی‌ثباتی، امکان دستیابی خود به سلاح هسته‌ای را فراهم کنند و موجب تروریسم هسته‌ای شوند.

بر اساس کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از فعالیت‌های تروریسم هسته‌ای^۱، تروریسم هسته‌ای استفاده یا تهدید به استفاده از تأسیسات هسته‌ای و ابزارها و ادوات هسته‌ای و رادیواکتیو، به منظور کشتن یا صدمه زدن به افراد، اموال و محیط طبیعی یا مجبور کردن افراد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای انجام دادن یا عدم انجام اقدامی می‌باشد. دستیابی غیرمجاز و از راه فریب، دزدی و تصرف مواد هسته‌ای، رادیواکتیو و ادوات انفجاری و انتقال چنین موادی نیز تروریسم هسته‌ای گفته می‌شود (United Nation, 2005: 3-4).

1. International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism

در سال ۱۹۹۸، بن لادن اعلام کرد مسلمانان وظیفه دارند تسلیحات کشتار جمعی را کسب نمایند. القاعده در مه ۲۰۰۳ یک فتوا از مفتی عربستان ناصر الفهد^۱ کسب کرد که استفاده از تسلیحات هسته‌ای را توجیه می‌کرد (Larsen, 2008).

القاعده، طی سال‌ها با گروه‌های تروریستی از یک منطقه، تحریک طالبان پاکستان^۲، لشکر جنگوی^۳، لشکر طیبه^۴ و شبکه حقانی^۵ پیوند برقرار کرده است (Jan, 2011). بنابراین، اعتقادات و فعالیت‌های آنها از الگوی کلی القاعده پیروی می‌کند؛ اگرچه گروه‌های مستقلی هستند. مدتی پیش از ۱۱ سپتامبر نیز بن لادن سوگند وفاداری به ملا عمر رهبر طالبان خورده بود وی را به عنوان رهبر مذهبی شناخته بود (Bergen, 2011: 9). بنابراین، اگرچه اکنون بن لادن وجود ندارد، اما پیروان و حامیان وی در مناطق مختلف حضور دارند و دیدگاه‌های او را دنبال می‌کنند.

تلاش این گروه‌ها برای دستیابی به تسلیحات و مواد هسته‌ای و رادیواکتیو موجب، بی‌ثباتی داخلی کشورها شده است. شاون گریگوری^۶، استاد دانشگاه برادفورد بریتانیا معتقد است شبه‌نظامیان از سال ۲۰۰۷ سه بار به تأسیسات هسته‌ای پاکستان حمله کرده‌اند. (Chanysh (B), 6: 2009). تروریسم هسته‌ای نه تنها می‌تواند روابط دوجانبه کشورها را به شدت وخیم سازد، بلکه منطقه را نیز متشنج می‌کند، زیرا این گروه‌ها در منطقه آسیای جنوبی مانند افغانستان و کشمیر فعال هستند و دامنه فعالیت آنها محدود نیست و تمام نظام بین‌الملل را فرا می‌گیرد. حتی اگر تروریست‌ها به رغم دستیابی به سلاح هسته‌ای، از آن استفاده نکنند، چند نتیجه به دنبال دارد. اول اینکه، برخورداری تروریست‌ها و بازیگران غیرحکومتی افراطی از سلاح هسته‌ای، ترس و نگرانی میان سایر بازیگران را افزایش می‌دهد و آنها برای مقابله با خطر احتمالی به تقویت قابلیت‌های نظامی خود می‌پردازند. نظر به اینکه، هنوز راهی برای مواجهه با تروریسم هسته‌ای یافته نشده، دولت‌ها به هر اقدامی متوسل خواهند شد تا برتری خود را در این عرصه حفظ کنند.

1. Nasir al-Fahd
2. Tehrik-e-Taliban
3. Lashkar-e-Jhangvi
4. Lashkar-e-Taiba

۵. شبکه حقانی گروه شبه‌نظامی طالبان در مناطق قبیله‌ای پاکستان است.

6. Shaun Gregory

دوم، گروه‌های افراطی صاحب سلاح هسته‌ای می‌توانند ساختار نظام بین‌الملل را تغییر دهند. بر اساس نظریه رئالیست‌ها، دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند، چون دارای قدرت، به ویژه قدرت نظامی می‌باشند، اما لیبرال‌ها معتقدند امروز دیگر دولت‌ها بازیگران اصلی نیستند و بازیگران غیرحکومتی، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های فراملیتی نیز در کنار دولت‌ها قرار گرفته‌اند. با توجه به این دو نظریه، می‌توان گفت بازیگران غیرحکومتی که دارای قدرت نظامی باشند، به عنوان بازیگران مهم در نظام بین‌الملل نقش ایفا می‌کنند. گروه‌های افراطی با در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای و مواد رادیواکتیو، ساختار دولت‌محور بین‌المللی را تغییر می‌دهند. در واقع، زمانی که شبکه تروریستی صاحب سلاح هسته‌ای شود، به منزله آن است که به تعداد اعضای آن تروریست‌های هسته‌ای وجود دارند. به عبارت دیگر، هر بازیگر تروریستی، در نظام بین‌الملل تأثیر خواهد گذاشت. در این حالت، هر شبکه تروریستی، مجموعه گسترده بازیگران بین‌المللی مؤثر را ایجاد خواهد کرد که در مقابل دولت‌ها می‌ایستند. در شرایطی که تروریست‌ها تصمیم به استفاده از تسلیحات هسته‌ای بگیرند نیز پیامدهای فاجعه بار آن غیر قابل تصور خواهد بود.

سوم. هند و پاکستان با اقدامات خود، نظام بین‌الملل را نیز به چالش گرفتند. سلاح هسته‌ای هند و پاکستان در عرصه بین‌المللی، دو پیامد اصلی داشته است: اول اینکه، رژیم بین‌المللی عدم اشاعه و معاهدات آن تضعیف شده و اعتماد دولت‌ها را به آن کاهش داده است. در نتیجه، همکاری میان دولت‌ها برای مقابله با تسلیحات هسته‌ای کاهش می‌یابد. دوم، اشاعه و تجارت تسلیحات و تکنولوژی هسته‌ای، موجب گسترش آن در جهان شده و روز به روز بخش بیشتری از جهان را درگیر خطرات آن می‌کند.

زمانی که هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸ آزمایش هسته‌ای انجام دادند، هیچ کدام عضو پیمان منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای (ان. پی. تی) نبودند. بنابراین، معتقدند هیچ پیمان بین‌المللی را نقض نکرده‌اند (Meier: 8). با این ادعا، در واقع هند و پاکستان اقدامات خود را بر حق می‌دانند. اگرچه پیمان ان. پی. تی توسط این دو کشور نقض نشده، اما بی‌ارزش گشته و وجود یا عدم آن حیاتی تلقی نشده است. هند و پاکستان با عدم عضویت در این پیمان، هیچ کدام از الزامات حقوق بین‌الملل را نقض نکرده بودند، ولی حرکت آنها از وضعیت آستانه

دستیابی به سوی سلاح‌های هسته‌ای به آشکارساختن توانمندی هسته‌ای، نه تنها تعریف پیمان منع گسترش از کشور دارای سلاح هسته‌ای را مورد تردید قرار داد، بلکه این پرسش را مطرح کرد که آیا کشورهای دیگری نیز وجود دارند که بخواهند مسیر هسته‌ای آنها را دنبال کنند. اگر چنین شود، آینده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با بزرگترین چالش روبرو می‌شود، زیرا ممکن است کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای که هم‌اکنون عضو پیمان هستند، از آن خارج شوند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۹۲۹). قابل ذکر است نقض پیمانی با این اهمیت و تأثیر بر امنیت جهان، نقض و تضعیف سایر قوانین بین‌المللی را نیز می‌تواند در پی داشته باشد و آینده چنین وضعیتی، هرج و مرج است. ضمن اینکه، از کشوری همچون هند که خود از مدافعان جهان بدون سلاح هسته‌ای و از پیشنهادکنندگان پیمان معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (سی تی بی تی) بوده و در مذاکرات آن پی تی شرکت داشته، اگرچه عضویت در آن را نپذیرفت، انتظار می‌رود حداقل به مفاد آن پایبند باشد، اما هند، هم از دیگر کشورها برای کسب قابلیت‌های هسته‌ای و توسعه آن کمک گرفت و هم کشورهای دیگر را در این امر یاری رسانده است. پاکستان نیز چنین وضعیتی را دنبال کرده است. کمک‌گیری هند از کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا و کمک چین به پاکستان در این حیطه قابل توجه است.

هند معتقد است چین و کره شمالی در ساختن تسلیحات هسته‌ای پاکستان به این کشور کمک کرده‌اند (Rajain, 2008: 306). در آوریل ۱۹۹۶، سازمان جاسوسی سیا خبر داد چین تکنیک و تجهیزات کارخانه تولید پلوتونیوم را به پاکستان داده و در اوت همین سال، پاکستان کارخانه‌ای پنهانی در جهت تولید موشک‌هایی با برد متوسط با کمک چین احداث نمود که برای حمل کلاهک هسته‌ای لازم است (Javaid, 2006: 307). قرارداد صادرات دو راکتور اتمی به پاکستان، در جریان سفر آصف علی زرداری، رئیس جمهوری این کشور به پکن در سال ۲۰۰۸، از سوی مقام‌های دو کشور امضا شده بود (ایرنا، ۱۳۹۰). پاکستان از معدود کشورهایی است که اقدام به اشاعه تکنولوژی هسته‌ای نیز می‌کند. در ژوئیه ۲۰۰۱، آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا، یک محموله هواپیمای پاکستان به کره شمالی را دنبال کردند که یک کلاهک را بار گرفته بود (Rajain, 2008: 303). همچنین، تحقیقات آمریکا در فوریه ۲۰۰۴ نشان داد عبدالقدیر خان و

حداقل ۷ سازمان دیگر، تکنولوژی هسته‌ای و صنعت غنی‌سازی اورانیوم را به کشورهای دیگر مانند کره شمالی، ایران و لیبی انتقال داده‌اند (Ali and Khalid, 2006: 78-79).

مدارک و اسناد اندکی درباره اشاعه افقی توسط هند می‌توان یافت، به طوری که این تصور وجود دارد که هند تا کنون به هیچ عنوان در موارد اشاعه افقی درگیر نبوده است. از موارد معدود می‌توان به تحریم دو دانشمند هندی به نام‌های دکتر سی. سورندار^۱ و دکتر وای. اس. آر. پراساد^۲ در سال ۲۰۰۴ توسط آمریکا اشاره کرد که تکنولوژی هسته‌ای را انتقال دادند (Squassoni, 2006: 6). هند با فرانسه و روسیه در سال ۲۰۰۸ قرارداد همکاری هسته‌ای بسته است. این قراردادها در سال ۲۰۰۹ گسترش یافت تا فرانسه برای ساخت راکتور و روسیه برای ایجاد تأسیسات به هند کمک کند. هند و انگلیس نیز در ۱۱ فوریه ۲۰۱۰، برای انتقال تکنولوژی و تجهیزات هسته‌ای به هند توافق کردند (Kerr, 2010: 4-5).

در این زمان، گزارش کارنگی اشلی تلیس^۳ در آمریکا نشان می‌داد ایالات متحده نباید از تحقیقات هسته‌ای هند نگران باشد، بلکه باید از هند برای تحقیقات بر روی راکتورهای پیشرفته هسته‌ای دعوت نماید. این گزارش بیان می‌کرد که آمریکا به منظور حفاظت از راکتورهای اتمی هند به این کشور تجهیزات ایمنی هسته‌ای صادر کند و به راکتور اتمی تاراپور سوخت اتمی عرضه نماید. این گزارش که توسط یک آمریکای هندی تبار تهیه شده، مبنای توافقات هسته‌ای هند و آمریکاست (Feickert and Kronstadt, 2003: 6) و امضای موافقت‌نامه، گام جدید در مشارکت استراتژیک در سال ۲۰۰۴ بود که در سال ۲۰۰۵ تکمیل شد و تحولی بزرگ در اعمال سیاست آمریکا نسبت به دولت هسته‌ای هند می‌باشد. این توافق موسوم به «توافق ۱۲۳»، آشکارترین اقدام آمریکا در راستای تضعیف نظام عدم اشاعه و توسعه تسلیحات هسته‌ای بود و لغو بسیاری از محدودیت‌ها علیه صادرات تکنولوژی به هند را در پی داشت. توافق هسته‌ای هند و آمریکا، به رغم مغایرت با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، در ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۵ به امضا رسید. بر اساس این توافق، هند می‌تواند از آمریکا سوخت و تکنولوژی هسته‌ای بخرد و اجازه ایجاد ذخایر استراتژیک سوخت هسته‌ای را دارد تا در صورت اختلال در تأمین سوخت، از آن استفاده کند (Mirza & Sadiq, 2008: 3).

1. C.Surendar

2. Y.S.R Prasad

3. Ashely Tellis Carengie Report

بر اساس قواعد پیمان سال ۲۰۰۵، هند ۱۴ راکتور خود را به عنوان راکتورهای غیرنظامی تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده و می‌تواند برای آنها از آمریکا و اعضای ان اس جی^۱ سوخت بخرد و سوخت داخلی خود را در حوزه نظامی به کارگیرد. یک مقام سابق اطلاعاتی هندی تأکید کرده این توافق، دست هند را برای ساختن ۵۰ کلاهک هسته‌ای در سال باز می‌کند. اگرچه در این پیمان تأسیسات غیرنظامی مورد توجه قرار گرفته، اما دیوید آلبرایت^۲ در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵، ادعا کرد برنامه هسته‌ای نظامی و غیرنظامی هند با یکدیگر مرتبط هستند و برخی تأسیسات، هم اهداف نظامی و هم غیرنظامی دارند (Mirza & Sadiq, 2008: 3). کریستینا روکا^۳، دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور آسیای جنوبی، در مارس ۲۰۰۳ اعلام کرد آمریکا به منظور مهار^۴ اشاعه در هند و پاکستان، رویکردی عمل‌گرا اتخاذ کرده است (Feickert and Kronstadt, 2003: 7). چنانکه هند به عنوان همکار استراتژیک و پاکستان متحد بزرگ غیر ناتو شناخته شد (Hussain: 6). این توافق چند پیامد به دنبال داشته است:

۱. تضعیف رژیم بین‌المللی عدم اشاعه از سوی آمریکا: آمریکا در سال ۱۹۹۹ و بعد از آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، با سی تی بی تی مخالفت و کنگره آمریکا آن را رد کرد (Carranza, 2006: 490). همچنین، آمریکا باعث شد اصول و پایه‌های ان. پی. تی تضعیف شود. اگرچه ان پی تی تغییر نیافته و منحل نشده، اما در عمل کارآیی آن کاهش یافته است، زیرا بر اساس ماده یک ان پی تی، دولت‌های هسته‌ای نباید به سایر دولت‌ها در زمینه تسلیحات و ابزارهای انفجار هسته‌ای کمک کنند. این در حالی است که آمریکا به ارائه اورانیوم غنی‌شده به هند متعهد شده است. بر اساس ماده شش ان پی تی نیز هر یک از دولت‌های عضو متعهد می‌شوند مذاکرات مربوط به توقف جدی مسابقات تسلیحاتی و مسئله خلع سلاح هسته‌ای را با حسن نیت دنبال کنند (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۸۰)، اما این پیمان به جای آنکه در راستای عدم اشاعه و خلع سلاح باشد، زمینه رقابت‌های بیشتر را فراهم می‌کند.

۱. گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای، گروهی از کشورهای عرضه‌کننده هسته‌ای هستند که به منظور کمک به عدم تکثیر، اصولی را در رابطه با صادرات هسته‌ای و مسائل مرتبط با آن اجرا می‌کنند.

< <http://www.nuclearsuppliersgroup.org/Leng/default.htm>.> (10 February 2010).

2. David Albright

3. Christina Rocca

4. Restraint

۲. تضعیف ان. پی. تی از جانب سایرین: کشورهای دیگر برای انجام آزمایش هسته‌ای، نقض ان. پی. تی یا خروج از آن ترغیب شده‌اند. این در حالی است که مهم‌ترین هدف ان پی تی جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای به دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای است (Carranza, 2006: 489).

۳. اشاعه افقی توسط رقبا: زمینه کمک‌های هسته‌ای چین به پاکستان و سایر کشورهای غیرعضو فراهم می‌شود، زیرا کشورهایی مانند چین در مقابل قدرت آمریکا، تأمین امنیت خود را در گرو کمک به کشورهای دوست می‌بینند. بنابراین، چین به کمک‌های هسته‌ای خود به پاکستان تداوم بخشیده است. اقدام خارج از قانون آمریکا موجب شده سایر کشورها، به ویژه رقبای آمریکا، راه را برای مقابله به مثل با آمریکا با کمک به دوستان هسته‌ای خود، باز ببینند.

۴. تلاش برای مدیریت نظام اشاعه به جای نابودی آن: آمریکا تصمیم گرفته است به جای واژگونی نظام اشاعه هسته‌ای، آن را مدیریت کند (Desal, 2000: 40). در ابتدا، محدودیت قوانین تجارت بین‌المللی در حوزه تسلیحات هسته‌ای به کالاهای ویژه‌ای اختصاص داشت، اما این محدودیت به تکنولوژی و تمام کالاهای و ادوات مرتبط با برنامه هسته‌ای گسترش یافت. بنابراین، تجارت بین‌المللی هسته‌ای محدود شد. در چنین شرایطی، هند باید یا برنامه هسته‌ای خود یا تجارت هسته‌ای بین‌المللی را رها می‌کرد، زیرا برای توسعه برنامه هسته‌ای خود نیاز به کمک دیگران داشت. از این رو، هند راه دوم را انتخاب کرد و تجارت بین‌المللی هسته‌ای را کنار گذاشت. با پیمان هند-آمریکا، این کشور به تجارت بین‌المللی دست یافت (Rajagopalan, 2008: 3). در بخش ۵.۶ (a) توافق، آمریکا تلاش برای دستیابی هند به بازار سوخت هسته‌ای در ملل دیگر را تضمین کرده است (Mirza & Sadiq, 2008: 3). مبادله هند-آمریکا بدون نیاز به امضای سی تی بی تی یا توقف تولید مواد شکافت‌پذیر اجازه تجارت غیرنظامی را به هند داده است. طرفداران تجارت هسته‌ای با هند معتقدند این پیمان تا ۶۵ درصد راکتورهای هسته‌ای هند را تحت مراقبت قرار می‌دهد، اما تا ۶۵ درصد برنامه سلاح هسته‌ای هند را محدود نکرد، بلکه آن را تسهیل کرد (Green and Sara Franzoni: 6).

۵. کاهش امنیت جهانی به بهای تأمین منافع دولت آمریکا: نوعی رابطه متقابل میان سیاست‌های آمریکا و بحث هسته‌ای هند وجود دارد. آمریکا برای پیشبرد اهداف سیاسی و دیپلماتیک خود، از فشار قراردادهای کمک هسته‌ای استفاده می‌کند و در مقابل، در صورت همراهی هند با

خواسته‌های آمریکا، به تقاضای هسته‌ای آن پاسخ مثبت می‌دهد. مثال آشکار آن، فشار آمریکا برای رأی هند علیه ایران در موضوع برنامه هسته‌ای است. با رأی مثبت هند به قطعنامه شورای حکام علیه ایران و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در سال ۲۰۰۶، کنگره آمریکا به لایحه پیمان هسته‌ای با هند رأی مثبت داد. ۱۰ روز پس از آن، بوش این پیمان را به قانون تبدیل کرد (توحیدی، ۱۳۸۶). آمریکا برای تأمین منافع خود و پیشبرد اولویت‌های سیاست خارجی، اقداماتی انجام داده که موجب ناامنی جهانی شده است. به بیان دیگر، موجب گسترش تسلیحات هسته‌ای و تشدید رقابت میان بازبگران شده است. ضمن آنکه، برقراری چنین پیمان‌هایی از اعتقاد به بازدارندگی متناسب^۱ آمریکا ناشی می‌شود. این در حالی است که عدم قطعیت و غافل‌گیری، از ویژگی‌های نظام بین‌الملل کنونی است. بنابراین، تضعیف رژیم عدم اشاعه و گسترش خطرات ناشی از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان، ایران را به عنوان همسایه منطقه آسیای جنوبی و با خصوصیات ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک بین‌المللی، متأثر ساخته است.

ج. پیامدهای هسته‌ای شدن هند و پاکستان برای ایران

آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و اضافه شدن دو کشور به گروه کشورهای برخوردار از تسلیحات هسته‌ای، جهان را با تبعات این پدیده مواجه ساخته است. در عین حال، برخی عوامل موجب شده کشورهای خاصی بیش از دیگران درگیر این پدیده شوند. موقعیت جغرافیایی، شرایط کشور از نظر سطح قابلیت‌های هسته‌ای و میزان بین‌المللی بودن موقعیت کشور، باعث شده امنیت جمهوری اسلامی ایران بعد از آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان متحول شود. این تحولات را در سه مورد اتمی شدن و ناامن شدن شرق ایران، گسترش خطر تروریسم هسته‌ای و افزایش فشارهای بین‌المللی بر ایران می‌توان برشمرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۱. کابینه جرج دبلیو بوش، نوعی بازدارندگی را اعلام کرد که بر اساس آن باید استراتژی بازدارندگی را از استراتژی مناسب برای همه به بازدارندگی متناسب برای قدرت‌های یاعی، شبکه‌های تروریستی و رقبای هم‌ردیف اصلاح نمود. برای این منظور باید به قصد و نیت رقبا پی برد.

Amy F. Woolf, Nuclear Weapons in U.S. National Security Policy: Past, Present, and Prospects, (Congressional Research Service, 29 October 2007, pp.4-5.) (18 March 2011).

۱. اتمی شدن شرق ایران

تا سال ۱۹۹۸، روسیه تنها همسایه اتمی ایران بود که پیش از فروپاشی شوروی از شمال دارای مرز آبی و خاکی با ایران بود و بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰، تنها مرز آبی با ایران دارد. از سال ۱۹۹۸ به بعد، منطقه آسیای جنوبی که همسایه شرقی ایران است، دارای دو کشور هسته‌ای شد و همسایه‌های اتمی ایران افزایش یافت. بنابراین، شرق ایران به منطقه اتمی تبدیل گشت. همسایگان هر کشور، در درجه اول و مناطق همجوار، در درجه دوم، از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها هستند. بنابراین، با اتمی‌شدن هند و پاکستان، محیط سیاست خارجی ایران در منطقه تغییر یافت. به این صورت که موضوع جدید و چالش‌برانگیزی را در مسائل میان هند، پاکستان و ایران وارد نمود که نیازمند سیاست‌گذاری ایران درباره آن بود و محیط امنیتی ایران در شرق، بیش از گذشته متشنج و دارای ابعاد بین‌المللی شد. با آزمایش هسته‌ای هند، ایران در همراهی با پاکستان، نگرانی خود را اعلام کرد و محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران گفت: «ما از اینکه چنین اتفاقی افتاده، متأسفیم و از آزمایش‌های هسته‌ای هند احساس نگرانی می‌کنیم» (Alam, 2004: 534) و خطاب به پاکستان اضافه کرد «ما امنیت شما را به طور جدی در نظر داریم و وضعیت شما و وضعیت برادرمان، ملت پاکستان را می‌فهمیم. امنیت پاکستان به عنوان دولت دوست، برادر و همسایه برای ما حیاتی است. ما مسئله شما را به شدت مهم تلقی کرده و با شما می‌ایستیم» (Alam, 2004: 534). ایران معتقد است آزمایش هسته‌ای هند موقعیت ژئواستراتژیک و توازن قدرت را در منطقه به هم زده است. از این رو، ایران از آزمایش هسته‌ای پاکستان استقبال کرد. خرازی وزیر خارجه وقت در اول ژوئن ۱۹۹۸ (خرداد ۱۳۷۶) از پاکستان دیدن کرد و گفت «اکنون مسلمانان اعتماد به نفس پیدا کرده‌اند، زیرا یک دولت مسلمان می‌داند چگونه بمب بسازد» (Alam, 2004: 534). سیاست جانبداری از یک طرف با توجه به بی‌اعتمادی فزاینده میان هند و پاکستان، روابط ایران با این کشورها را به چالش می‌کشد. دلیل این امر آن است که سیاست‌های هسته‌ای هند و پاکستان به سمت یکدیگر جهت‌گیری شده و دیپلماسی تهاجمی و اقدامات نظامی علیه یکدیگر، شیوه رفتار آنها بعد از هسته‌ای شدن بوده است.

همچنین، منطقه آسیای جنوبی از سال ۱۹۹۸ به بعد، با بحران‌های متعدد از جمله بحران کارگیل، حمله به پارلمان هند در سال ۲۰۰۱ و رویارویی هند و پاکستان و حمله به هتل بمبئی

در سال ۲۰۰۸ مواجه بوده است. بنابراین، محیط امنیتی ایران در شرق ناامن و متشنج شده است. کلینتون در سال ۱۹۹۹ کشمیر را نقطه اشتعال اتمی نامید (Bhumitra, 2009: 216)، اما اکنون می‌توان منطقه آسیای جنوبی را «منطقه اشتعال اتمی» دانست. علاوه بر این، هسته‌ای شدن هند و پاکستان معمای دفاع-امنیت را در منطقه تقویت کرده است. به این معنا که با تقویت قدرت نظامی هند و پاکستان، سایر کشورها برای افزایش امنیت خود به توسعه قابلیت‌های نظامی می‌پردازند. چین روندی، محیط پیرامونی ایران را بیش از پیش امنیتی می‌سازد. ضمن اینکه، تسلیحات هسته‌ای دارای ابعاد بین‌المللی است و موجب نگرانی همه بازیگران است. از این رو، مداخله سایر بازیگران مانند آمریکا را در منطقه افزایش داده است.

در چنین شرایطی، ایران تلاش کرده مانع سرریز ناامنی به کشور و روابط دوجانبه ایران با هند و پاکستان گردد. به این منظور، توازن‌بخشی به سیاست‌های خود نسبت به هند و پاکستان و کنترل اختلافات آنها دنبال شده است. از این رو، سیاست اعلامی حمایت یکجانبه از پاکستان در مورد تسلیحات هسته‌ای، رها شده است. با این وجود، ایران از نظر هر کدام از کشورها متهم به حمایت از دیگری بوده است.

۲. امکان دسترسی گروه‌های ضد ایرانی به مواد و سلاح‌های هسته‌ای

یکی از اهداف گروه‌های افراطی مانند القاعده و طالبان، نابودی شیعیان است. به اعتقاد آنها بعد از نابودی غرب، شیعیان باید نابود شوند (مجلسی، ۱۳۹۰: ۲۳). ایران نیز با برخورداری از اکثریت شیعه نخستین هدف در صورت دستیابی گروه‌های افراطی به تسلیحات هسته‌ای خواهد بود. با توجه همجواری دولت‌های هند، پاکستان و افغانستان، به عنوان مأمین گروه‌های افراطی با ایران و وجود تأسیسات هسته‌ای در این کشورها، ایران در معرض تهدید مستقیم قرار گرفته است. ضمن اینکه، اقدامات گروه‌های افراطی برای دستیابی به مواد و تسلیحات هسته‌ای و وقوع حوادث عمدی یا تصادفی هسته‌ای نیز ایران را حتی اگر هدف مستقیم نباشد، متأثر خواهد ساخت. بنابراین، تروریسم هسته‌ای از این جنبه، به طور مستقیم عامل تهدیدکننده ایران است. از جنبه‌ای دیگر، تروریسم هسته‌ای به طور غیرمستقیم ضریب امنیتی ایران را کاهش داده است، زیرا غرب و آمریکا، ایران را حامی تروریسم هسته‌ای القاعده و گروه‌های افراطی معرفی

کرده و فشارهای بین‌المللی بر ایران را افزایش داده‌اند. بن لادن در مصاحبه با روزنامه پاکستانی داون^۱ اعلام کرده بود اگر آمریکا تسلیحات خود را علیه گروه و همکاران وی به کار گیرد، او با تسلیحات شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیک به آمریکا حمله خواهد کرد (Bokhari, 2006: 31). در گفتمان جمهوری اسلامی ایران، مبارزه با قدرت‌طلبی غرب به عنوان یک اصل دنبال شده و ایران از معدود کشورهایی است که همواره در مقابل زیاده‌خواهی و فشار غرب، به خصوص آمریکا مقاومت کرده است. از این رو، آمریکا تلاش کرده ایران را نیز هوادار گروه‌های تروریستی و تروریسم هسته‌ای قرار دهد. بنابراین، سعی شده این دیدگاه ترویج شود که ایران حامی تروریسم هسته‌ای توسط گروه‌های افراطی مانند القاعده و طالبان است. به این ترتیب، ایران با محدودیت‌های بیش‌تری در محیط خود مواجه شده است.

۱. تضعیف نظام عدم اشاعه و افزایش فشار به ایران

اقدام هند و پاکستان به منظور کسب بمب اتم با تضعیف رژیم عدم اشاعه، به چند طریق ایران را در تنگنا قرار داده است. عدم عضویت هند و پاکستان در ان. پی. تی، وجود شبکه عبدالقدیرخان در پاکستان و توافق ۱۲۳ میان هند و آمریکا با کاهش کارآمدی رژیم عدم اشاعه، امنیت ایران را کاهش داده است. با هسته‌ای شدن هند و پاکستان، پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تضعیف و کارآمدی آن کاهش یافت. از این رو، طراحان آن با سوءظن و تردید اصول و قواعد آن را دنبال می‌کنند. به این معنا که اعتماد به سایر کشورهایی که تنها در پی دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای هستند، کاهش یافته است. نگاهی به روند کسب فناوری هسته‌ای توسط ایران، نشان می‌دهد ایران نه تنها الگوی هند و پاکستان را دنبال نکرده، بلکه فراتر از ان. پی. تی با نظام بین‌المللی همکاری کرده است.

تلاش ایران برای کسب انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ با همکاری آمریکا و انعقاد قراردادی بین ایران و آمریکا آغاز شد. قبل از انقلاب اسلامی ایران، آلمان، فرانسه، هند، کانادا، انگلستان و استرالیا نیز در حوزه هسته‌ای به ایران کمک کردند (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۴-۳۶). تلاش ایران با انقلاب متوقف و دوباره در سال ۱۹۸۴ آغاز شد. مرکز تحقیقات هسته‌ای اصفهان شروع به کار کرد و روسیه آماده تکمیل نیروگاه بوشهر گردید (Ruth de Boer, 2009: 133).

به رغم اینکه ایران عضو پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان. پی. تی) بوده و داوطلبانه از اصول پروتکل الحاقی (۲+۹۳) پیروی نموده، اما محدودیت‌های تحمیل‌شده بر آن فراتر از قوانین موجود است. به عبارت دیگر، کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که ان. پی. تی مانع تلاش کشورها برای هسته‌ای شدن نیست و باید اقداماتی فراتر از آن انجام داد. همان طور که بیان شد، اولین تلاش‌های ایران برای کسب انرژی اتمی از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، اما البرادعی اولین بار در سال ۲۰۰۰ برای بازدیدی از تأسیسات هسته‌ای ایران به تهران آمد و اولین قطعنامه علیه ایران در موضوع هسته‌ای در سال ۲۰۰۳ تصویب شد (دلاورپور اقدم، ۱۳۸۷). از این رو، با وجود گزارش‌های متعدد آژانس انرژی اتمی مبنی بر صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، هم‌چنان این کشور تحت فشار است. مدیرکل آژانس انرژی اتمی بین‌المللی، در گزارش ژوئن ۲۰۰۸ خود تصریح کرد آژانس هیچ اطلاعاتی را راجع به طراحی عملی یا ساخت اجزای مواد هسته‌ای یک سلاح یا دیگر اجزای کلیدی، از جمله چاشنی از سوی ایران در اختیار ندارد (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۵). با این وجود، هسته‌ای شدن هند و پاکستان، مسئله‌ای تحت عنوان فعالیت هسته‌ای پنهان را ایجاد کرده و فشار بر ایران را افزایش داده است.

وجود شبکه عبدالقدیرخان در پاکستان و نگرانی از گسترش تسلیحات هسته‌ای به سایر کشورها، مسئله دیگری است که موجب افزایش فشارهای بین‌المللی، به ویژه آمریکا بر ایران شده است. در زمان ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در سال ۲۰۰۶، هند اعلام کرد در صورتی با ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت موافق است که نقش پاکستان در آن در نظر گرفته شود. همچنین، امکان بازجویی از عبدالقدیرخان خارج از پاکستان باشد.

کمک‌های هسته‌ای پاکستان به ایران از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و در زمان بی‌نظیر بوتو و نواز شریف ادامه یافت (Alam, 2004: 540). ایران و پاکستان در سال ۱۹۸۶ یک توافق هسته‌ای صلح‌آمیز امضا کردند که بر اساس آن، حداقل ۶ ایرانی در مؤسسات علوم هسته‌ای و فناوری در اسلام‌آباد^۱ و مؤسسه مطالعات هسته‌ای^۲ آموزش ببینند. در اواخر دهه ۸۰ نیز برخی تجهیزات مرتبط با هسته‌ای به ایران صادر شده است (A.Q. Khan Nuclear Chronology,)

1. Institute of Nuclear Science and Technology in Islamabad

2. Nuclear Studies Institute

xx- B.S.A Tahir

4: 2005. این همکاری‌ها باعث شده هم ایران و هم پاکستان از جانب آمریکا و کشورهای غربی در معرض اتهامات بسیاری قرار گیرند و حتی این اتهامات، زمینه صدور قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایی توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه برنامه صلح‌آمیز اتمی ایران را فراهم کرده است. بر اساس همین اتهام‌هاست که ادعا شده بی.اس.ای طاهر تاجر سریلانکایی و نایب‌رئیس عبدالقدیرخان به پلیس مالزی گفته است ایران حدود ۳ میلیون دلار برای خرید اجزای سانتریفوژها پرداخت کرده است (A.Q. Khan Nuclear Chronology, 2005: 4). همچنین، ادعا می‌شود عبدالقدیرخان در مکتوب ۱۱ صفحه‌ای خود در سال ۲۰۰۴ به انتقال تکنولوژی و طراحی ساخت به ایران اعتراف کرده است (Alam, 2004: 541). از این رو، ایران از این بابت نیز تحت فشار مضاعف قرار گرفته است.

از طرف دیگر، همکاری هند و آمریکا در موضوع هسته‌ای، امنیت ایران را متأثر ساخته است. هند با چند هدف در حوزه هسته‌ای خواهان همکاری با آمریکا می‌باشد. توسعه برنامه نظامی هسته‌ای، رفع تحریم‌های وارد بر این کشور پس از آزمایش‌های سال ۱۹۹۸ و عضویت دائم در شورای امنیت ملل متحد، از این موارد است. از این رو، تلاش هند منجر به توافق استراتژیک هسته‌ای هند-آمریکا در سال ۲۰۰۵ گردید. این توافق از دو ناحیه رابطه ایران-هند را تحت تأثیر قرار داده است. اول اینکه، آمریکا برای موافقت با این پیمان برای هند شروطی معین کرده که یکی از مهم‌ترین آنها، فشار بر ایران و مخالفت با مواضع آن است. دوم آنکه مواد این پیمان، ایران را متضرر می‌سازد (Pant, 2011: 62).

در مورد اول، هند برای کسب منافع خود اقداماتی انجام داده که علیه ایران است. رأی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حمایت هند از جبهه مخالف ایران در مورد حقوق بشر، از این موارد است. کنگره آمریکا به هنگام تصویب قرارداد همکاری استراتژیک با هند از دولت آمریکا خواست از رأی هند علیه ایران در آژانس انرژی اتمی بین‌المللی اطمینان لازم را کسب کند. هند ۳ بار علیه ایران در مورد موضوع هسته‌ای رأی داده که رأی دوم در سال ۲۰۰۶ منجر به ارجاع پرونده به شورای امنیت شد (Squassoin, 2006: 121). همچنین، هند به قطعنامه علیه ایران در شورای حقوق بشر در نوامبر ۲۰۱۰ نیز رأی ممتنع داده است (Anonymous, 2010). به علاوه، آمریکا در روابط مبتنی بر انرژی، شرکت‌های هندی را تحت فشار قرار داده تا از همکاری با ایران

خودداری کنند (Dadwal, 2010: 9). در این راستا، فشار برای کناره‌گیری هند از خط لوله صلح^۱ را نیز می‌توان نام برد. خط لوله صلح که امکان انتقال گاز از ایران به پاکستان و هند را فراهم می‌نماید، از اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح شده است (Mullick: 4). این خط لوله، منافع حیاتی هند و پاکستان از یک سو و ایران از سوی دیگر را تأمین و می‌تواند زمینه همکاری این سه کشور مهم در منطقه جنوب و غرب آسیا را فراهم کند، اما چون آمریکا آن را کمک به بودجه برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از فعالیت‌های تروریستی قلمداد می‌کند، هند را تحت فشار قرار داده تا از این طرح کناره‌گیری کند (Kronstadt, 2007: 15).

کاندولیزا رایس^۲، وزیر امور خارجه وقت آمریکا در مجلس سنا همچنین، تأکید کرد: «ایالات متحده به وضوح به هند فهمانده که روابطش با ایران نگران‌کننده است. همچنین، به وضوح به مقامات هندی گفته‌ایم عقد قرارداد با ایران در زمینه ساخت خط لوله ما را نگران می‌کند و آن را نمی‌پذیریم» (تقفی عامری، ۱۳۸۷: ۲۰۵). نیکلاس برنز^۳ نیز می‌گوید: «ما به هندی‌ها توصیه کرده‌ایم که هند باید نسبت به موضوع ایران همگام با جامعه بین‌الملل باشد. به عبارتی، ایران نباید یک کشور با سلاح هسته‌ای باشد. ما بسیار امیدواریم که هند در مورد نفت و گاز به توافق بلندمدت با ایران نرسد» (Burns, 2007).

از طرف دیگر، پیمان هند-آمریکا شامل برخی مفاد علیه ایران است. بر اساس قانون همکاری انرژی اتمی صلح‌آمیز هند-آمریکا معروف به قانون هاید^۴، هند باید ایران را از فعالیت هسته‌ای بازدارد یا منصرف نماید و حتی اگر لازم بود، ایران را تحریم کند یا از تلاش برای کسب تسلیحات کشتار جمعی، شامل قابلیت هسته‌ای، قابلیت تولید اورانیوم غنی‌شده، پروسه تولید سوخت هسته‌ای و ابزارهای به کارگیری سلاح کشتار جمعی بازدارد. هرچند به علت مخالفت برخی گروه‌ها مانند چپ‌ها در هند، این بخش از قانون مشورتی است، اما با نگاهی به روابط هند و ایران طی سال‌های گذشته و نیز با عنایت به مواضع هند در قبال ایران در مجامع بین‌المللی طی سال‌های اخیر، به وضوح می‌توان دید که تمامی مفاد این قرارداد از جانب هند در مقابل ایران به کار گرفته شده است. دولت هند پس از امضای قرارداد همکاری انرژی اتمی

1. IPI (India-Pakistan-Iran)
2. Kandoliza Rice
3. Nicholas Burns
4. Hyde Act

صلح‌آمیز با آمریکا، در روابط خود با ایران بسیار محتاطانه عمل کرده و بیش از آنکه به فکر تأمین منافع خود باشد، تأمین شرایط تعیین‌شده از سوی آمریکا را مد نظر قرار داده است. ابهام در مشارکت هند در خط لوله صلح، مواضع بی‌طرفانه یا حتی خصمانه علیه ایران در مجامع بین‌المللی و نیز تلاش برای جایگزینی منابع نفت و گاز جدید از میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که در سال‌های اخیر توسط دولت هند در قبال ایران به کار گرفته شده‌اند، همگی حکایت از این دارند که ورود هند به بازی هسته‌ای و به تبع آن توافقات دوجانبه با آمریکا، این کشور را به عدم همکاری، بی‌طرفی و حتی در برخی موارد، رویارویی در قبال ایران سوق داده است؛ مسیری که جمهوری اسلامی می‌بایست با به کارگیری دیپلماسی سنجیده، مانع پیشرفت آن شود و از پیامدهای منفی و تهدیدآمیز آن، تا حد ممکن بکاهد (Pant, 2011: 62).

نتیجه‌گیری

آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸، منطقه و نظام بین‌الملل را متأثر ساخت، به گونه‌ای که هند و پاکستان با تداوم بی‌اعتمادی به یکدیگر، سیاست‌های تهاجمی خود را در منطقه، به ویژه ایالت جامو و کشمیر و افغانستان دنبال کردند. برخورد نظامی میان هند و پاکستان در ۱۹۹۹، ۲۰۰۱-۲۰۰۲ و قطع روابط دوجانبه آنها در سال‌های ۲۰۰۸، حاکی از تنش در منطقه می‌باشد. همچنین، وجود بازیگران افراطی مانند القاعده، لشکر طیبه، جیش محمد و طالبان، ناامنی را افزایش داده است. این بازیگران با وجود تسلیحات هسته‌ای به فعالیت‌های خشونت‌آمیز و تخریب‌گر خود ادامه داده و در تلاشند به تسلیحات هسته‌ای دست پیدا کنند. چنانکه چند بار به تأسیسات هسته‌ای پاکستان حمله کرده‌اند. همچنین، هند و پاکستان با بی‌اعتنایی به رژیم عدم اشاعه و پیمان‌هایی مانند ان. پی. تی و سی تی بی تی، به بمب اتم دست یافتند و پس از آن با تجارت هسته‌ای، اشاعه افقی مواد و تکنولوژی هسته‌ای و کسب آن از دیگر کشورها، مانع پیشرفت رژیم عدم اشاعه و خلع سلاح شده‌اند. توافق استراتژیک هسته‌ای هند و آمریکا در سال ۲۰۰۵ و اقدامات شبکه عبدالقادرخان در اشاعه افقی، از این موارد است.

تسلیحات هسته‌ای هند و پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز اثرگذار بوده است. در فضای متشنج در مرزهای شرقی ایران، محیط امنیتی چالش‌برانگیز است، زیرا هم

ناامنی‌های منطقه به ایران سرایت می‌کند و هم تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به هند و پاکستان با توجه به محیط بی‌ثبات و خصومت تشدیدشده میان هند و پاکستان، با موانع بیش‌تری روبروست. ضمن اینکه، در پی هسته‌ای‌شدن هند و پاکستان، کشورهای بیش‌تری در پیرامون ایران، به دنبال تقویت قابلیت‌های نظامی و دفاعی خود برآمده‌اند که احتمال درگیری و کشمکش در محیط امنیتی ایران را افزایش می‌دهد.

وجود بازیگران افراطی و انگیزه آنها برای نابودی دشمنان خود که شامل غرب و شیعیان می‌شود، با همراهی تسلیحات هسته‌ای، ایران را بیش از گذشته در آستانه خطرات فاجعه‌بار قرار داده است. نزدیکی جغرافیایی نیز احتمال این خطر را تقویت کرده است. این نکته را نیز باید در نظر داشت که در حالی که ایران از یک طرف، هدف تروریسم هسته‌ای می‌باشد، از طرف دیگر، گروهی از کشورها ایران را هم‌پیمان تروریسم دانسته‌اند و با این بهانه، سعی در تخریب وجهه ایران دارند.

علاوه بر این موارد، هسته‌ای‌شدن هند و پاکستان، به رغم ادعاهای اولیه مبنی بر دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و با تضعیف رژیم عدم اشاعه، موجب شده فضایی از بی‌اعتمادی نسبت به سایر کشورها که قصد دستیابی به انرژی هسته‌ای را دارند، شکل گرفته و تشدید شود. از این رو، به رغم تلاش ایران برای اثبات صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های خود، محدودیت‌ها و تحریم‌های تحمیل‌شده بر ایران، تداوم داشته است. حتی پس از سال ۱۹۹۸ نیز هند و پاکستان برای توسعه برنامه هسته‌ای خود اقداماتی انجام داده‌اند که ایران را متضرر ساخته است. از جمله این موارد، خواسته هند برای انعقاد توافق استراتژیک با آمریکا بوده است. دستیابی هند به این توافق به بهای تنزل سطح روابط با ایران بوده است. رأی هند علیه ایران در موضوع هسته‌ای، عدم تمایل برای عملیاتی‌کردن خط لوله صلح و عدم پرداخت بدهی‌های نفتی هند به ایران، از این موارد است.

در مجموع، می‌توان گفت بعد از دستیابی هند و پاکستان به تسلیحات هسته‌ای، خطرآفرینی این سلاح در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از پیش برجسته شده است. ایران نیز از این پیامدها مصون نبوده و بعد از سال ۱۹۹۸، امنیت ایران دستخوش پیامدهای، هسته‌ای‌شدن هند و پاکستان قرار گرفته است، به طوری که تنش و بحران در رابطه دوجانبه ایران با سایر کشورهای منطقه، از جمله اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس و نظام بین‌الملل به وجود آمده است.

منابع

- بورک، س.م. زایرینگ، لارنس (۱۳۷۷)؛ **تاریخ روابط خارجی پاکستان**، ترجمه ایرج وفایی، تهران: کویر.
- بیلیس، جان بیلیس و اسمیت استیو (۱۳۸۸)؛ **جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (موضوعات بین المللی، جهانی شدن در آینده)** جلد دوم، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- تاشپینار، عمر (۱۲ آذر ۱۳۸۹)؛ «صلح ناپایدار هند و پاکستان»، آرزو دیلقمانی.
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/32/bodyView/3335/0>
- توحیدی، ام البنین (خرداد ۱۳۸۶)؛ «رویکرد نوین سیاست خارجی هند»، **قدرت‌های آسیایی**، شماره ۶.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۷)؛ **ایران و سیاست نگاه به شرق**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- دلورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۷)؛ **مقایسه تطبیقی فرآیند هسته‌ای شدن در ایران، هند و پاکستان**.
<http://vista.ir/?view=article&id=324032>
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳)؛ **رژیم‌های بین المللی**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۷)؛ **برنامه هسته‌ای ایران، واقعیت‌های اساسی**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- کوشا، سهیلا (۱۳۸۹)؛ **چالش‌های حقوقی پیشگیری و مقابله با تروریسم هسته‌ای**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مجلسی، فریدون (۴ تیر ۱۳۹۰)؛ «مدنیت در برابر قبیله‌گرایی»، **شرق**.
- Alam, Shah (October-December 2004); «Iran-Pakistan Relations: Political and Strategic Dimensions», **Strategic Analysis**.
- Ali, Syed Ghazanfar and Khalid, Iram (Summer 2006); «US-Pakistan Relations Post 9/11 Era», **National Development and Security**, Vol. XIII, No.4.
- Anonym (27 November 2010); «India Changed its Vote at UN for Some Other Reasons: Iran», **The Hindu**,
<http://www.thehindu.com/news/national/article915450.ece>
- Bergen, Peter (2011); **Al-Qaeda, the Taliban, and Other Extremist Groups in Afghanistan and Pakistan**, **New America Foundation**, p. 9.
<http://www.humansecuritygateway.com/documents/US-Senate-Foreign-Relations-Bergen-Testimony-Al-Qaeda-Afghanistan-Pakistan.pdf>
- Bhumitra, Chakama (2009); **Pakistan's Nuclear Weapons**, London: Routledge.
- Bokhari, Sarah (2006); «The United States Dealings with Nuclear Terrorism: Cooperation from Prevention», **Journal on Science and World Affairs**, Vol. 2, No. 1.

- Burns, Nicholas (23 October 2007); «America's Strategic opportunity with India» <http://www.foreignaffairs.com/articles/63016/r-nicholas-burns/americas-strategic-opportunity-with-India>
- Carranza, Mario E. (December 2006); «Can the NPT Survive? The Theory and Practice of US Nuclear Non-proliferation Policy after September 11», **Contemporary Security Policy**, Vol.27, No.3.
- Chanysh, Volha (A) (3 September 2009); «India's Nuclear Program», **Nuclear Age Peace Foundation**, http://www.nuclearfiles.org/menu/key-issues/nuclear-weapons/issues/proliferation/india/chanysh_india_analysis.pdf
- Cronin, Richard P. and Kronstadt, K. Alan and Squassoni, Sharon (24 May 2005); "Pakistan's Nuclear Proliferation Activities and the Recommendations of the 9/11 Commission: U.S. Policy Constraints and Options", **Congress Research Service**.
- Dadwal, Shebonti Ray (8 July 2010); «US Sanctions on Iran and Their Impact on India» **Institute for Defence Studies and Analyses**, (IDSA) New Delhi <http://www.idsa.in/system/files/IB-USSanctionsonIran.pdf>
- Desal, Jatin (2000); **Nuclear Diplomacy the Art of the Deal**, New Delhi: Commonwealth Publishers.
- Dossani, Rafiq and Rowen, Henry S. (2005); **Prospect for Peace in South Asia**, California: Stanford University Press.
- Dudley, William Dudley and Jenkin, Laura (2003); **India and Pakistan Opposing Viewpoints**, San Diego: Greenhaven press.
- Feickert, Andrew and Kronstadt, K. Alan, (17 October 2003); "Missile Proliferation and the Strategic Balance in South Asia", **Congressional Research Service**.
- Ganguly, Sumit, Hagerty, Devin T. (2005); **Fearful Symmetry; India-Pakistan Crises in the Shadow of Nuclear Weapons**, New Delhi: Oxford University Press.
- Ganguly, Sumit and Kapur, S. Paul. (2010); **India, Pakistan and the Bomb**, New York: Columbia University Press.
- Green, Jim and Franzoni, Sara. «Uranium, India and the Nuclear Non-Proliferation Regime», **Energy Science Briefing Paper**, 18.
- Hussain, Nazir (13 July 2011); «Nuclearization of South Asia and the Future of Non-Proliferation», *Journal of Political Studies*.
<http://pu.edu.pk/images/journal/pols/Currentissue-pdf/NAZIR%20HUSSAIN.pdf>
- Jan, Reza (12 May 2011); «After Bin Laden: Confronting Haqqani Network in Kurrum», **Small Wars Journal**, <http://smallwarsjournal.com/blog/journal/docs-temp/760-jan.pdf>
- Javid, Umbreen (2006); **Peace and Security in South Asia: Issues and Challenges**, Lahore: Pakistan Study Centre.
- Kapur, S. Paul (2005); «India and Pakistan's Unstable Peace, Why Nuclear South Asia is not Like Cold War Europe», **International Security**, Vol.30, No.2.
- Kerr, Paul K. (8 April 2010); U.S. Nuclear Cooperation with India: Issues for Congress, **Congress Research Service**.
- Kerr, Paul and Nikitin, Marry Beth (14 January 2008); «Pakistan's Nuclear Weapons: Proliferation and Security Issues», **Congress Research Service (CRS)**.
- Kronstadt, K. Alan (26 June 2007); «India-US Relation» **CRS**, p.15.

- <http://fpc.xstate.gov/documents/organization/88044.Pdf>
- Larssen, Rolf Mowatt (16 June 2008); «the Strategic Threat of Nuclear Terrorism», **The Washington Institute**.
- Liebl, Vernie (April-June 2009); «India and Pakistan: Competing Nuclear Strategies and Doctrines», **Comparative Strategy**, Vol.28, No.2.
- Meier, Oliver «Involving India and Pakistan: Nuclear Arms Control and Non-Proliferation after Nuclear Tests», BITS Research Report 99.2, **Berlin Information-Center for Transatlantic Security (BITS)**.
- Mirza, Nasrullah & Sadiq, M. (January 2008); «Indo-US 123 Agreement: Impacts on Deterrence Stability in South Asia», South Asian Strategic Stability Institute, **SASSI Research Report 7**.
- Mullick, Haider Ali Hussein «The Iran-Pakistan-India Pipeline Economics, Geopolitics and Security», Pakistan Security Research Unity (PSRU), Brief number 36.
- Pant, Harsh V. (Winter 2011); «India's Relation with Iran: Much Ado about Nothing», **The Washington Quarterly**.
- Rabasa, Angel and Blackwill, Robert D. and Chaik Peter (2009); **Lessons of Mumbai**, RAND Corporation.
- Rajagopalan, Rajesh (October 2008); «Nuclear Non-Proliferation: An Indian Perspective», Feriedrich Ebert Stiftung (FES), **New Delhi Briefing Paper 10**.
- Rajain, Arpit (2005); **Nuclear Deterrence in South Asia: China, India and Pakistan**, New Delhi: Sage Publication.
- Ruth de Boer, Lucinda (July 2009); **Analyzing Iran's Foreign Policy; The Prospects and Challenges of Sino-Iranian Relations**, MSc Programme International Relations 2008-2009 Research Project; University of Amsterdam.
- Sagan, Scott D. and Waltz, Kenneth N. (2003); **the Spread of Nuclear Weapons; a Debate Renewed**, New York: W.W.Norton and Company.
- Shinichi, Ogava and Marie, Izuyama (March 2003); "the Nuclear Policy of India and Pakistan", **NIDS Security Reports**, No. 4.
- Sokolski, Henry (December 2009); **Pakistan's Nuclear Future: Reining in the Risk**, Strategic Studies Institute.
- Squassoni, Sharon (8 November 2006); «India and Iran: WMD Proliferation Activities», **Congressional Research Service**.
- Squassoin, Sharon (12 January 2006); «US Nuclear Cooperation with India: Issues for Congress», **Foreign Affairs**, CRS.
- Sridharan, E. (2007); **The India-Pakistan Nuclear Relationship Theories of Deterrence and International Relations**, New Delhi: Routledge.
- Sridharan, E., A.Q. Khan (September 7 2005); Nuclear Chronology, **Issue brief Non-Proliferation**, Vol. VIII. No. 8, p.4
- http://www.carnegieendowment.org/static/npp/Khan_Chronology.pdf
- United Nations (2005); International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, <http://www-ns.iaea.org/downloads/conventions-codes-resolutions/suppression-of-terrorism-convention.pdf>,